



تأثیر سیاست خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۹-۲۰۰۲) بر سیاست خارجی ایران

مهناز گودرزی^۱، علی نیکوکار^۲

چکیده

حزب عدالت و توسعه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، جغرافیای سرزمینی، اتصال به اروپا، و نزدیکی به روسیه و خاورمیانه از یک سو، و بهره‌گیری از مسائل ایدئولوژیک و همانندی‌های تاریخی و فرهنگی از سوی دیگر، سیاست خارجی توسعه‌طلبانه‌ای را به منظور دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، دسترسی به منابع انرژی، و تصاحب بازارهای خاورمیانه در پیش گرفت که هم‌نظم موجود در منطقه و هم‌روابط با ایران را به چالش کشیده است؛ بنابراین، مقاله حاضر در تلاش است تا سیاست‌های این حزب و تأثیرات آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را بررسی کند.^۱ این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در منطقه را واکاوی کرده است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که حزب یادشده از یک سو، با تأکید بر مسائل ایدئولوژیک و بهره‌گیری از نقش مذهب در پی گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی است، و از سوی دیگر، با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری و ژئوپلیتیک، در پی افزایش قدرت نسبی و افزایش قدرت بازیگری خود در خاورمیانه است که سبب ایجاد نوعی رقابت و تعارض در عین همکاری با جمهوری اسلامی ایران می‌شود و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی، هم به لحاظ ساختاری و هم هویتی، برای ایران و حوزه‌های نفوذ آن در منطقه دارد.

مقاله پژوهشی

واژگان کلیدی:

حزب عدالت و توسعه، منطقه‌گرایی، نتوعثمانی‌گرایی، سیاست خارجی



۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشکده حقوق و علوم انسانی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) Mahnazgoodarzi60@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشکده حقوق و علوم انسانی، اصفهان، ایران Nikookar1978@gmail.com

The Impact of Justice and Development Party's Middle East Foreign Policy on Iranian Foreign Policy (2002-2019)

Mahnaz Goodarzi³, Ali Nikokar⁴

Abstract:

Justice and Development Party's Given the geopolitical situation, Territorial geography Connecting to Europe and proximity to Russia and the Middle East On the one hand, and exploiting ideological issues, And historical and cultural commonalities on the other, Foreign policy development is pursued aimed at achieving regional hegemony, Access to energy resources and takeover of Middle Eastern markets, Which challenged both the existing order in the region and relations with Iran, So this article is trying to investigate AKP policies and their effects on Islamic Republic of Iran's foreign policy in the Middle East? This article has covered with a descriptive-analytical approach and using library and documentary information to investigate AKP foreign policy in the region. Research data show That the AKP is trying to do Emphasizing on ideological issues and taking advantage of the role of religion in expanding its influence in the peripheral areas, And on the other hand, it seeks to increase its relative power and increase its acting power in the Middle East Emphasizing structural and geopolitical features, That creates a kind of competition and conflict while working with the Islamic Republic of Iran And direct and indirect effects Both structurally and identically It has influence on Iran and its spheres of influence in the region.

Key words: Justice and Development Party (AKP), Regionalism, Neo-Ottomanism, Foreign policy



۳۹۵

تأثیر سیاست

خاورمیانه‌ای حزب عدالت
وتوسعه (۲۰۰۲-۲۰۱۹)
بر سیاست خارجی ایران

3 . Associate Professor, Department of International Relations, Isfahan Branch, Khorasgan, Islamic Azad University, Faculty of Law and Human Sciences, Isfahan, Iran, Mahnazgoodarzi60@gmail.com

4 . PhD student in International Relations, Isfahan Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Faculty of Law and Human Sciences, Isfahan, Iran, Nikookar1978@gmail.com

مقدمه

سیاست خارجی ترکیه در دو دهه اخیر به گونه‌ای چشمگیر تغییر کرده است. در دهه نخست حکومت حزب عدالت و توسعه (AKP)، «منطق وابستگی متقابل»^۵، انگیزه محرک سیاست خارجی ترکیه بود. اما، در دهه دوم فعالیت این حزب، تلاش برای «خودمختاری راهبردی»^۶، همراه با مداخله‌گرایی، یک‌جانبه‌گرایی، و دیپلماسی اجباری، جایگزین «منطق وابستگی متقابل» و نقش «واسطه‌یکپارچه‌کننده»^۷ مبتنی بر قدرت نرم شد. «خودمختاری راهبردی» در بافت ترکیه، مفهومی دوگانه دارد. نخست، چارچوبی را برای نخبگان حاکم ترکیه در راستای همسویی با قدرت‌های بزرگ غیرغربی و ایجاد تعادل در نظم سلسله‌مراتبی به‌رهبری ایالات متحده ایجاد می‌کند. دوم، و مهم‌تر از آن، به‌عنوان یک گفتمان سیاست خارجی مشروع برای دولت عمل می‌کند تا پایگاه انتخاباتی خود را در داخل بسیج کند، مخالفان را از سر راه بردارد، و از حمایت مردمی برخوردار شود (Kutlay & Öniş, 2021, 1096). حزب عدالت و توسعه در تلاش است تا ترکیه را به قدرتی منطقه‌ای و سپس، جهانی تبدیل کند. در این راستا، وظیفه آن، توسعه گستره منافع، تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت مرکزی، و حفظ میراث تاریخی است و در این مسیر، ملاحظات اقتصادی، اهداف امنیتی، و گرایش‌های ژئوپلیتیک درهم آمیخته‌اند تا فعالیتی دیپلماتیک را دنبال کنند که در تاریخ مدرن ترکیه، بی‌سابقه بوده است (Abdi et al., 2016, 42). طرح قدرت، امنیت، ملاحظات عمل‌گرایانه، و ترکیبی متفاوت از منافع ملی و اهداف حزبی-سیاسی محدودتر، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه (AKP) را در خاورمیانه (از زمان روی کار آمدن این حزب در سال 2002) هدایت کرده است.

نگرانی‌های ایدئولوژیک، شامل ترکیبی سیال از اندیشه‌های اسلام‌گرا، نئوعثمانی، و «تمدن‌گرا»، آمیخته با حجم سنگینی از ناسیونالیسم ترک، نقشی متغیر، کمکی، اما مهم‌تر، ایفا کرده است (Dalacoura, 2021, 1137). برداشت ذهنی و نقش رهبران حزب عدالت و توسعه پس از تحولات عربی در منطقه خاورمیانه، این کشور را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرد که بر اصول سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بود؛ به گونه‌ای که شعارهای اولیه سیاست خارجی این کشور تغییر کرد و از تعادل بین امنیت و آزادی به سوی اقتدارگرایی گرایش یافت. دیپلماسی فعال منطقه‌ای آن نیز سبب بروز منازعات قومی شد و کشورهایی مانند ایران و عربستان را به سوی تقابل ایدئولوژیک با ترکیه سوق داد؛ بر این اساس، می‌توان سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه را در سه برهه زمانی شکل‌گیری در سال 2002، تحولات عربی منطقه پس از

۵ . logic of interdependence .

۶ . strategic autonomy .

۷ . mediator-integrator .



سال 2011، و تحولات پسا کودتا در ترکیه، تحلیل و بررسی کرد. نوع رفتارهای حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی، نویسندگان را بر آن داشت تا تأثیرات سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه بر جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب سازه‌انگاری واقع‌گرا واکاوی کرده و در پی پاسخ به این پرسش باشند که «سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه چه تأثیراتی بر جمهوری اسلامی ایران دارد؟»

۱. چارچوب نظری پژوهش

برخی نظریه‌ها آئینه واقعیت می‌دانند و حقیقت را همسو^۸ با امر واقع^۹ جست‌وجو می‌کنند. از این دیدگاه، سوژه شناسا / مشاهده‌کننده^{۱۰} از موضوع شناخت / مورد مشاهده^{۱۱} جداست و تبیین‌های نظری تا جایی حقیقت دارند که واقعیت تجربی را بازتاب دهند. در مجموع، نظریه‌ها، سیاست خارجی را از دو زاویه مطالعه می‌کنند: دسته‌ای که به خردگرایان^{۱۲} معروفند و عوامل مادی و محیطی (داخلی و خارجی) را علت اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها به‌شمار می‌آورند و دو سطح کلان (ساختار نظام بین‌الملل) و سطح خرد (عوامل داخلی) را تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها می‌دانند (Griffiths, 2013, 49).

دسته دوم، نظریه‌های معناگرا^{۱۳} هستند که بر نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی در سیاست خارجی تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین این نظریه‌ها، رهیافت سازه‌انگاری است. از دیدگاه سازه‌انگاری، هویت، هنجارها، و فرهنگ، نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها دارند (Daneshnia, 2013, 38)؛ بنابراین، برای بررسی سیاست خارجی ترکیه و شناخت کلی وضعیت سازه‌انگاری واقع‌گرا، ابتدا دو رویکرد واقع‌گرایی و سازه‌انگاری را به‌اختصار بررسی کرده و در ادامه، سازه‌انگاری واقع‌گرا را واکاوی و تبیین خواهیم کرد.

۱-۱. واقع‌گرایی

واقع‌گرایی به‌عنوان یکی از نظریه‌های فراگیر و کلان روابط بین‌الملل، درصدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون، بر پایه ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورهاست؛ به بیان روشن‌تر، واقع‌گرایی، یک رویکرد از داخل به خارج یا تصویر دوم است که برای فهم و توضیح روابط بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها بر ویژگی‌های ملی کشورها تأکید می‌کند. این نظریه که مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی است و ریشه در اندیشه‌های مورخان، فیلسوفان، و متأللهانی

۸ . correspondence

۹ . fact

۱۰ . subject/ observer

۱۱ . object/ observed

۱۲ . rationalists

۱۳ . ideational theories

چون توسیدید^۴، ماکیاولی^۵، هابز^۶ و رینولد نیوهر^۷ دارد، پس از جنگ جهانی دوم توسط نظریه‌پردازانی چون مورگنتا^۸ و کنان^۹، در واکنش به آرمان‌گرایی، ارائه شد (Dehghani Firoozabadi, 2013, 28).

رهیافت رئالیسم، یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌های پدیدآمده در راستای توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی است که هنوز هم در میان رهیافت‌های دیگر موجود، دارای جایگاه مناسب و درخوری است. رئالیست‌ها، نگرش‌هایی خردگرایانه و تشریح‌کننده وضع موجود دارند و کمتر به پیش‌بینی دل‌خوش داشته‌اند. نویسندگان واقع‌گرا، بیشتر در مورد این نکته توافق دارند که موقعیت مکانی و جغرافیایی یک دولت بر توانایی‌های ملی و سمت‌گیری سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارد. برخی دولت‌ها، به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خود، در رویارویی با بیگانگان آسیب‌پذیرترند و برخی دولت‌ها در مقایسه با دیگران، به‌لحاظ راهبردی، مواضع جغرافیایی ارزشمندتری را در اختیار دارند. به‌نظر واقع‌گرایان، دسترسی به آبراهه‌های مهم و میزان بی‌حفاظ یا محفوظ بودن یک کشور در برابر دشمنان خارجی بر اثر شکل‌گیری مرزهایش، بر سیاست خارجی آن دولت تأثیر می‌گذارند. در مجموع، عوامل جغرافیایی، جمعیت‌شناختی، منابع، و عوامل ژئوپلیتیک، در نظریه واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل، نقش بنیادینی دارند (Faltzgraf & Deorti, 2006, 145).

۲-۱. سازه‌انگاری^{۲۰}

نظریه سازه‌انگاری به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود که همه شکل‌های آن، در چند گزاره و مفروضه هستی‌شناختی، بر ساخته بودن هویت، و اهمیت ساختارهای معنایی و فکری در آن، رابطه متقابل ساختار و کارگزار، و نقش هویت در شکل‌دهی به منافع و سیاست‌ها، ایده‌ها، هنجارها، و ارزش‌های بین‌دولتی، همسویی دارند (Moshirzadeh, 2021, 324). ساختارهای فکری و هنجاری، نقشی تأسیسی و تکوینی در شکل‌دهی به هویت و منافع کشورها دارند و به گونه‌ای متقابل، یکدیگر را قوام می‌بخشند. از آنجا که هویت کشورها با منافع آنان ارتباط دارد و منافع ملی، بخشی از فرایند هویت‌سازی است، این برداشت اجتماعی از هویت، نیازمند و متضمن معنا و مفهوم اجتماعی بودن منافع نیز هست. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل غیرمادی تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها از دیدگاه سازه‌انگاران، هویت است (Dehghani

۱۴- Thucydides

۱۵- Niccolo Machiavelli

۱۶- Thomas Hobbes

۱۷- Karl Paul Reinhold Niebuhr

۱۸- Hans Morgenthau

۱۹- George .F.Kennan

۲۰. Constructivism



(Firoozabadi, 2013, 43).

رویکرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه، آمیخته‌ای از دو روش واقع‌گرایی و سازه‌انگاری، به گونه‌ای چندوجهی است؛ به طوری که هم‌زمان از یک مفهوم عینی و دولت‌محور با هدف دستیابی به قدرت و منافع در نظریه واقع‌گرایی، به مفهومی بیناذهنی با هدف تأثیرگذاری بر جنبش‌های اجتماعی و بهره‌گیری از مبانی هویتی در نظریه سازه‌انگاری بهره می‌گیرد. به این ترتیب، در کنار برخی از بحث‌های واقع‌گرایان کلاسیک و نئوکلاسیک مانند توجه به اهمیت ایدئولوژی در شکل‌گیری سیاست خارجی و نیز برخی اشاره‌های نواقع‌گرایان (مانند جامعه‌پذیری در مباحث کنت والتز)، عوامل معنایی نیز نقش مهمی در توضیح روابط بین‌الملل از دیدگاه خردگرایان ایفا می‌کنند؛ اما این عوامل، نقش بنیادینی در این نظریه‌ها ندارند (Moshirzadeh, 2021, 326).

۳-۱. سازه‌انگاری واقع‌گرا^۱

اگرچه در آموزش‌های روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی و برسازی به‌عنوان دو مقوله جدا از هم تعریف می‌شوند و مجادله خردباوری-سازه‌انگاری، مبحثی بنیادین به‌شمار می‌آید (Barkin, 2003, 332)، اما بررسی روش‌شناسی برسازی و نظریه واقع‌گرایی نشان می‌دهد که این دو رویکرد، با هم سازگاری دارند. عده‌ای بر این نظرند که سازه‌انگاری و رئالیسم، برنامه‌های پژوهشی مکملی هستند. یک سازه‌انگار واقع‌گرا می‌تواند رابطه بین ساختارها و هنجارها و بهره‌گیری از قدرت را به شیوه‌ای نشان دهد که نه سازه‌انگارهای ایدئالیست و نه واقع‌گرایان پوزیتیویست نمی‌توانند آن‌ها را مدیریت کنند. برای این کار، یک سازه‌انگار واقع‌گرا می‌تواند شکاف بین نظریه‌پردازی جریان اصلی و نظریه‌های انتقادی را پر کند. همچنین، سازه‌انگار واقع‌گرا می‌تواند با برداشتی که از قدرت دارد، نه تنها پدیده‌های عینی و نظری پست‌مدرنیسم و پوزیتیویسم، بلکه پدیده‌های درون‌ذهنی، هنجارها، و مقررات اجتماعی سازه‌انگاران را نیز واکاوی کند (Rezaie, 2017, 75). سازه‌انگاری واقع‌گرا، به چگونگی تصمیم‌گیری‌های خاص متأثر از هویت و قدرت برای کسب امنیت و منافع، توجه دارد (Bleau, 2014, 10) و نشان می‌دهد که دولت‌ها چگونه با استفاده از ابزارهای خاص ژئوپلیتیک (قدرت ساختاری) و ایدئولوژیک (مذهبی، هنجاری، و...) بر ساختار قدرت و امنیت منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند (Barkin, 2003, 339).

سازه‌انگاری واقع‌گرا، این امکان را فراهم می‌کند که سیاست کشورهای با مقاصد نامعلوم را که تهدیدهای بالقوه‌ای به‌شمار می‌آیند، بهتر درک کنیم؛ به‌ویژه اگر این دولت‌ها دارای زیرساخت‌های مذهبی و فرهنگی قدرتمندی نیز باشند، این فرضیه بیش از آنکه رفتار دولت‌ها را غیرمنطقی و جانبدارانه تلقی کند، آن‌ها را تنها در حال پیگیری منافعشان می‌بیند و مشخص می‌کند که چگونه از یک ایدئولوژی برای رسیدن به مقاصدشان بهره می‌گیرند؛ بنابراین، این



فرضیه به سبب توان آن برای اندازه گیری میزان تأثیرگذاری ایدئولوژی، هویت، و هنجارها بر سیاست خارجی دولت از یک سو و بررسی ساختار قدرت و امنیت در سطوح منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر، اهمیت می‌یابد (Barkin, 2003, 337).

با توجه به پیچیدگی‌های سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تأکید این کشور بر انگاره‌های هویتی، تاریخی، و پیوند آن با مسائل ارزشی و ایدئولوژیک از یک سو و تأکید این کشور بر ژئوپلیتیک، توازن قوا، و نقش منطقه‌ای و رقابت با کشورهای منطقه از جمله ایران از سوی دیگر، رویکرد نظری حاکم بر رفتار سیاست خارجی ترکیه را می‌توان در قالب «سازمان‌گاری واقع‌گرای» ساموئل بارکین بررسی کرد.

این نظریه می‌تواند سیاست خارجی کشورهای بالقوه تهدیدگر با اهداف نامعلوم را تحلیل کند؛ به ویژه اگر این دولت‌ها از یک ابزار قومی و مذهبی نیز برخوردار باشند. ترکیه از یک سو تلاش می‌کند تا از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک برای توازن قدرت، کسب امنیت، و افزایش نقش بازیگری خود در منطقه بهره‌گیرد و از سوی دیگر، در تلاش است تا با بهره‌گیری از مؤلفه‌های هویتی، تاریخی، و فرهنگی، هدف‌های ایدئولوژیک خود را پیش برد (Bleau, 2014, 11). بر این اساس، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که سیاست خارجی ترکیه هم برگرفته از ساختار بین‌دینی، هویتی، و تاریخی است و هم در پرتو مفروضات چهارگانه قدرت، امنیت، منافع ملی، و توازن قوای رئالیسم بازتعریف می‌شود (Rezaie, 2017, 76).

۲. اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

مهم‌ترین اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در راستای اهداف راهبردی این کشور به شرح زیر است.

۱-۲. اعلام تعادل بین امنیت و آزادی و اعمال اقتدارگرایی حزبی

داوود اوغلو^{۲۲} بر این نظر بود که ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه، پس از سال ۲۰۰۴، در مرحله ایجاد توازن داخلی بین آزادی و امنیت، تلاش کرده است تا آزادی‌های مدنی را بدون از بین بردن امنیت افزایش دهد که این هدف با فراهم کردن ابزاری برای تأمین امنیت داخلی و نیز مقابله با تهدیدهای خارجی به شکل‌های گوناگون تحقق می‌یافت (Nikokar & Goodarzi, 2018, 47). اما پس از سال ۲۰۱۰، گذار از دموکراسی درون‌حزبی و حذف تدریجی مخالفان از رهبری حزب از یک سو، و تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم و تربیت نسل جوان متدین از سوی دیگر، از نشانه‌های برهم خوردن تعادل بین امنیت و آزادی است (Khalaj Monfared, 2017, 69) که سبب اقتدارگرایی اردوغان^{۲۳} و چرخش در سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه شد و بار دیگر به شکاف‌ها و اختلاف‌های سیاسی، قومی، و مذهبی در این کشور دامن زد.

۲۲ - Ahmet Davutoglu

۲۳ - Receb Tayyip Erdogan

۲-۲. برطرف کردن مشکلات با همسایگان و تنش‌های موجود

حزب عدالت و توسعه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت راهبردی بین‌المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه‌ای برقرار کرده و مشکلات و اختلاف‌ها را از بین ببرد؛ از این رو، ترک‌ها تلاش می‌کنند تا در رابطه با همسایگان خود، به‌جای بهره‌گیری از قدرت سخت و نظامی دهه گذشته، از قدرت نرم و مبانی هویتی بهره بگیرند و براساس سه اصل ارتباطات تاریخی و فرهنگی، نهادهای دموکراتیک، و قدرت اقتصادی و بازار آزاد به هدف خود که ایجاد یک خط ثبات در گرداگرد ترکیه است، دست یابند. (Tajik & Seadati, 2016, 114). اما سیاست‌های ترکیه در منطقه که مبتنی بر بهره‌گیری هم‌زمان و تلفیقی از مبانی هویتی و ژئوپلیتیک است، نه تنها سبب به‌صفر رسیدن مشکلات با همسایگان نشده، بلکه با دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه، از جمله عراق و سوریه، در پی تقویت مبانی هویتی و کسب منافع حداکثری و غیرقابل جمع در منطقه است، اما از آنجا که آگاهی نخبگان ترکیه از مسائل منطقه‌ای کم بوده و نشان‌های ژئوپلیتیکی متناقضی را دریافت می‌کنند، همواره با مشکلات زیادی دست‌به‌گریبانند (Nikokar & Goodarzi, 2018, 47).

۲-۳. دیپلماسی فعال منطقه‌ای، منازعات قومی، و درگیر شدن در مسائل بین‌المللی

در حالی که حزب عدالت و توسعه تا سال 2011 و شروع تحولات عربی تلاش می‌کرد با دیپلماسی فعال منطقه‌ای و درگیر شدن در مسائل مهم بین‌المللی و جهانی، نقش منطقه‌ای خود را تقویت کند و در این راستا، به عضویت گروه بیست و چهار^{۲۴} (متشکل از وزرای اقتصاد و دارایی و مسئولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیا) درآمده است که در مجموع، ۸۵ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارند؛ عضو ناظر اتحادیه عرب است، و همچنین، 15 سفارتخانه در آفریقا و دو سفارتخانه در آمریکای لاتین دارد، اما سیاست‌های این حزب پس از تحولات عربی، دگرگون، و دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی آن به سرعت به تلاش برای یک‌تازی ترک‌ها و منازعات قومی در منطقه تبدیل شد (Nikokar & Goodarzi, 2018, 48).

۲-۴. سیاست خارجی چندجانبه و محاسبه تک‌بعدی

داوود اوغلو بر این نظر است که موقعیت خاص ژئوپلیتیک ترکیه به گونه‌ای مستقیم بر ساختار اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی این کشور تأثیر می‌گذارد و ترکیه را مجبور می‌کند تا یک سیاست خارجی چندبعدی و همه‌جانبه‌نگر داشته باشد. ترکیه تا سال 2011، توفیق زیادی در کاهش تنش‌ها و مشکلات با همسایگان خود داشت و این به‌معنای کامیابی راهبردی جدیدی در سیاست خارجی این کشور بود؛ اما با بروز بحران‌های شمال آفریقا و خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای همسایه جنوبی مانند سوریه و عراق، پاشنه آشیل و ضعف عمق راهبردی ترکیه مشخص شد. این کشور بر سر دوراهی کاهش تنش‌ها و اختلاف‌ها با همسایگان از یک سو،



و مشارکت و سهم‌خواهی در بحران سوریه و عراق و در نتیجه، همراهی با جبهه غربی-عربی از سوی دیگر، قرار گرفت (Mofidi Ahmadi, 2015, 2). دخالت ترکیه در منطقه، سبب شد که سیاست تنش‌زدایی با شکست روبه‌رو شود و سوریه و عراق در بحران بیشتری فرو روند و ترکیه در این میدان با ایران نیز به تقابلی بی‌سابقه رسید. دولت ترکیه به رهبری اردوغان، ناگزیر شد کشورهایمانند عربستان، امارات، و قطر را جایگزین منطقه‌ای همسایگان خود کند (Alizadeh Movassaghi, 2014, 14).

۳. دوره‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در خاور میانه

فراز و فرودهای حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی و رفتارهای متفاوت آن در خاورمیانه سبب شد که سیاست خارجی این حزب در سه مقطع بررسی شود.

۱-۳. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱

در دهه نخست حکومت حزب عدالت و توسعه، ترکیه راهبرد ادغام منطقه‌ای فعال مبتنی بر پیوندهای اقتصادی و فرهنگی را دنبال کرد، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد امضا کرد، و طرح سفر بدون ویزا با کشورهای خاورمیانه را مطرح کرد. این کشور، به‌عنوان یک میانجی بی‌طرف بین اسرائیل و سوریه عمل کرد، نقش مهمی در حل و فصل درگیری‌های طولانی بالکان داشت، و خود را به‌عنوان یک بازیگر بشردوست استفاده‌کننده از ابزارهای قدرت نرم معرفی کرد. همچنین، دولت حزب عدالت و توسعه، مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۰۵ آغاز کرد و با وجود تاریخ پرتلاطم روابط دوجانبه، عضویت به یک امکان واقعی تبدیل شد. همه این تحولات سبب شدند که برخی از پژوهشگران، ترکیه را به‌عنوان کشوری الهام‌بخش، تمجید کنند و «دموکراسی پر جنب و جوش آن را که به‌رغم کاستی‌هایش، نمونه‌ای از اصلاحات در منطقه به‌شمار می‌آید» ستایش کنند (Salamti, 2016, 166). در این دوره، برخلاف رویکرد نخبگان ترکیه که خاورمیانه را یک کانون تهدیدزا می‌دانستند و از برخورد با اعراب و کردها دوری می‌کردند، با به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و تمرکز این کشور بر دو اصل افزایش عمق راهبردی و به‌صفر رساندن مشکلات با همسایگان، این کشور وارد تحولات خاورمیانه و استفاده بیشینه از تمام فرصت‌های ممکن و برطرف کردن تهدیدها با همه ابزارها شد (Davutoglu, 2016, 322). ترکیه در این بازه زمانی با توجه به موقعیت راهبردی، ژئوپلیتیک، و عمق تاریخی خود از نوعی چندجانبه‌گرایی پویا و کنشگرانه در بعد خارجی حمایت کرد که از آن با عنوان عمق راهبردی یاد می‌شد. ترک‌ها در کنار غرب‌گرایی سنتی و احترام به روابط خود با آمریکا و روسیه، به نظام‌های منطقه‌ای، از جمله خاورمیانه، به دلیل اهمیت عوامل ژئواکونومیک و ژئوکالچر آن توجه داشتند. آن‌ها، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و همسویی‌های هویتی خود با کشورهای منطقه، در پی میانجی‌گری در مسائل منطقه‌ای بودند



تا خود را به عنوان الگویی جدید در خاورمیانه و در رقابت با ایران و عربستان، مطرح کنند. آن‌ها در این دوره با دوری جستن از جنگ عراق، حاضر به همکاری با آمریکا نشدند که این مسئله، نشان‌دهنده استقلال عمل ترک‌ها در این دوره بود و بر اعتبارشان در منطقه افزود (Salamti, 2016, 167).

۲-۳. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹

حزب عدالت و توسعه در تلاش برای روی کار آوردن دولتی دست‌نشانده و نزدیک به سیاست‌های منطقه‌ای آنکارا در سوریه بود، که موجب درگیری این کشور در معادلات خاورمیانه شد. واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییر منطقه و شتاب‌زدگی کارگزاران در برخورد با این تحولات، موجب تغییر در رویکردهای تعاملی، عمل‌گرایانه، و اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه شد. سیاست خارجی ترکیه پس از تحولات عربی با دو رویکرد متفاوت حمایت از تغییر در کشورهایمانند مصر، تونس، و سوریه و حفظ وضع موجود در کشورهای چونی لیبی، بحرین، و یمن پیگیری شد؛ اگرچه بسیاری این نوع جهت‌گیری‌ها را نوعی بحران، سردرگمی، و تناقض در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به‌شمار می‌آوردند، اما هدف اصلی آن، تکثیر الگوی حکومتی در منطقه خاورمیانه بود (Bahrami, 2017, 46).

بروز کودتای غیرمنتظره در ترکیه و در هم شکستن سریع آن، آرمان ترویج الگوی این کشور در منطقه را به‌حاشیه برد؛ در واقع، رویدادهای تیر ۱۳۹۵ در آنکارا و استانبول را می‌توان به‌عنوان نقطه اوج هزیمت الگوی ترکیه و آغاز نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی این کشور در نظر گرفت. هرچند کودتای نظامیان، یک‌شبه برچیده شد، اما بروز چنین رویدادی نمایانگر بحران عمیق سیاسی در نهادهای حاکمیتی ترکیه و فقدان مشهود وحدت سیاسی این کشور است. در عین حال، پس از این کودتا، اردوغان به‌گونه‌ای عامدانه به از بین بردن شاخصه‌های توسعه سیاسی و دموکراسی در ترکیه مبادرت ورزید. هرچند ترکیه در مواردی مانند بی‌توجهی به نسل‌کشی ارمنی در عهد عثمانی، سرکوب کردها، و نقض پراکنده حقوق بشر مورد انتقاد قرار می‌گرفت، اما توانسته بود الگویی از اسلام متساهل و دموکرات را به جهانیان معرفی کند؛ الگویی که در روزگار پس از کودتا در ترکیه، تحت‌الشعاع سرکوب، شکنجه، دستگیری، و تصفیه‌های گسترده قرار گرفته است.

اگرچه فرایند ظهور حزب عدالت و توسعه ناشی از شکاف‌های اجتماعی دهه‌های آخر قرن بیستم بود و آن شکاف‌ها سبب بروز بحران‌های شدید سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی آن زمان شده بودند، اما گذار از دموکراسی درون‌حزبی و حذف تدریجی مخالفان اردوغان از رهبری حزب از یک‌سو، و تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم و تربیت نسل جوان از سوی دیگر و نیز دور شدن از سیاست‌های اولیه حزب از نشانه‌های اقتدارگرایی اردوغان و تغییر در رویکردهای خارجی و داخلی حزب عدالت و توسعه بود که در نتیجه آن از اواخر سال ۲۰۱۴، ترکیه و حزب





عدالت و توسعه، اسیر تعارضات و تقابل های ناشی از دوگانه های غرب گرایی-اسلام گرایی، ملی گرایی-خردگرایی، و سرانجام، دوگانه سلفی گری-علوی گرایی شد و این شرایط، تعمیق شکاف های اجتماعی، قومی، و مذهبی و همچنین، شخص محوری در عرصه سیاست خارجی در دوران اقتدارگرایی اردوغان را در پی داشت (Khalaj Monfared, 2017, 70). حزب عدالت و توسعه با تأکید بیشتر بر لایه های هویتی ترکی و حذف مخالفان، فشار بیشتر به کردها در داخل و خارج از مرزها را در دستورکار قرار داد.

افزون بر این، ترکیه با استفاده از فرصت های اوراسیا گرایی و نیز تعامل بیشتر با روسیه، سیاست خارجی چندبعدی را در پیش گرفت. اخیراً روابط ترکیه و روسیه، چرخش کیفی متفاوتی پیدا کرده است که اکنون، سنگ بنای اصلی سیاست های خودمختارانه دولت ترکیه را تشکیل می دهد. این رابطه، ریشه تاریخی طولانی ای دارد. در طول چندین قرن، روابط دوجانبه بیشتر مبتنی بر تضاد بود. در جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک تهدید امنیتی بزرگ ظاهر شد؛ زیرا، ترکیه یکی از اعضای ناتو بود و همکاری بین دو کشور بیشتر به حوزه انرژی و ساخت و ساز محدود بود؛ با این حال، در میانه دهه ۱۹۸۰، «ترکیه توانست برای نخستین بار از دهه ۱۹۳۰ به این سو، روابط بهتری را با اتحاد جماهیر شوروی و قدرت های غربی، به طور هم زمان، برقرار کند» و ارزش تجارت دوجانبه از ۴۷۶ میلیون دلار به ۱/۸ میلیارد دلار افزایش یافت. بین سال های ۱۹۸۷ و دهه ۱۹۹۰، این روابط به دلیل مکمل بودن اقتصاد دو کشور، پیشرفت بیشتری داشت؛ روسیه به لحاظ منابع انرژی غنی بود، در حالی که ترکیه از مزیت نسبی کالاهای مصرفی و طرح های ساختمانی برخوردار بود. این مشارکت در سال ۱۹۹۲ از طریق طرح همکاری اقتصادی دریای سیاه (BSEC) (یکی از ابتکارهای ترکیه که یازده کشور منطقه را دربر می گرفت)، نهادینه شد. دگرگونی های داخلی در سیاست ترکیه که با انتقال رسمی به نظام ریاستی در سال ۲۰۱۸ به اوج خود رسید، ترکیه و روسیه را در چشم انداز سیاسی به هم نزدیک تر کرد. همچنین، اقتصاد سیاسی داخلی ترکیه به سوی الگوی اقتدارگرایانه روسیه با ویژگی های سرمایه داری دولتی حرکت کرد (Perlez, 2019, 1)؛ اما این اقدامات ترکیه در عرصه سیاست خارجی، نه تنها از تنش ها کم نکرد، بلکه این کشور را وارد بازی های جدیدی کرد که از یک سو، با گرایش به سوی روسیه، در تقابل با سیاست های آمریکا در منطقه قرار گرفت و از سوی دیگر، با حمله به کردهای شمال سوریه و اشغال این کشور، نگرانی های جدیدی را در منطقه به وجود آورد که هم زمان سبب ایجاد چالش های ایدئولوژیکی و امنیتی جدیدی با ایران و سایر کشورهای همسایه شد (Mofidi Ahmadi, 2015, 1).

جدول شماره (۱). دوره‌های فعالیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه

رهبر (تولدمرگ)	رجب طیب اردوغان (متولد 1954)	احمد داوود اوغلو (متولد 1959)	بینالی یلدریم (متولد 1955)	رجب طیب اردوغان (متولد 1954)
1	حوزه انتخابیه	قونیه	استانبول (2002) (I) ارزنجان (2007) ازمیر (2011) (II) ازمیر (I) (نوامبر 2015)	سیرت (2003) استانبول (2007) (I) (2011)
2	حزب را به دست گرفت	27 اوت 2014	22 مه 2016	14 اوت 2001
3	حزب را ترک کرد	27 اوت 2014	21 مه 2017	27 اوت 2014
4	طول مدت	13 سال و 13 روز	364 روز	4 سال، 207 روز
5	انتخابات رهبری	کنگره فوق العاده 2014 کنگره عادی 2015	کنگره فوق العاده 2016	کنگره عادی 2003 کنگره عادی 2006 کنگره عادی 2009 کنگره عادی 2012

افزون‌براین، تحول در سطح کنشگری و اولویت‌های راهبردی قدرت‌های اروپایی و آمریکا در محیط پیرامونی ترکیه، سبب کاهش اهمیت ژئواستراتژیک آنکارا برای غرب شده است (Oguzlu, 2020, 131). قدرت‌های غربی دیگر تمایل راهبردی‌ای به حضور مستقیم در معادلات امنیتی و نظم‌سازی ژئوپلیتیکی در مناطق مجاور ترکیه ندارند و فقدان منافع اولویت‌های مشترک، موجب کاهش وزن راهبردی و ژئواستراتژیک ترکیه نزد متحدان سنتی شده است. در طول یک دهه گذشته، ترکیه به تدریج از مرزهای تعهدات راهبردی خود به اتحاد فراتر آلتیکی فاصله گرفته و با به کارگیری رویکردهای مستقل در معادلات در حال تغییر منطقه‌ای و بین‌المللی، حتی گاهی منافع راهبردی متحدان غربی را به چالش کشیده است. در واقع، پس از کودتای 2016، غرب در حال تبدیل شدن به دیگری در محیط روانی تصمیم‌گیری سیاست خارجی ترکیه است (Cagaptay, 2020, 37).

شرایط پس از کودتای سال 2016، به پیچیدگی «معمای امنیتی درون‌اتحادی» بین ترکیه و غرب دامن زده و با تشدید برداشت تهدید از سوی متحدان غربی، موجب تردید ترکیه در مورد تداوم فرایند اروپایی شدن و همچنین، تعهدات راهبردی به ناتو در سیاست خارجی و دفاعی شده است؛ در نتیجه، ترکیه به سوی ابتکارها و ساختارهای جایگزینی گرایش یافته است که به نحوی نیت‌های تقابلی علیه غرب دارند. ترکیه، همکاری‌های گسترده‌ای را در حوزه انرژی، تجارت، دفاعی، و مسائل سیاست خارجی با قدرت‌های غیرغربی‌ای همچون روسیه، چین، و ایران شروع کرده است (Yesiltas, 2020, 294). همچنان که وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محیط پیرامونی در سیاست خارجی این کشور نقشی محوری دارد، سازوکارهای ائتلاف‌سازی

و اتحادسازی راهبردی ترکیه نیز متحول شده است. در دهه گذشته، ائتلاف سازی هنجار محور و بلندمدت، جای خود را به همکاری راهبردی کوتاه مدت، عمل گرایانه، و مسئله محور در سیاست خارجی ترکیه داده و تاحدی گزینه های منافع محور در چارچوب ابتکارات چندجانبه و دوجانبه را برجسته کرده است (Haugom, 2019, 209).

براین اساس، ابزارها و گزینه های اقدام سیاست خارجی ترکیه به گونه ای گریزناپذیر، امنیتی و نظامی شده و با تضعیف ظرفیت های قدرت نرم این کشور، ابزارهای قدرت سخت را در ماجراجویی های منطقه ای ترکیه، پررنگ تر کرده است.

۳-۳. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲

در دهه دوم حکومت حزب عدالت و توسعه، تصور ترکیه از نقش ملی خود، هم زمان با مداخله گرایی نظامی و دیپلماسی قهری، به گونه ای چشمگیر تغییر کرد. ترکیه پس از تحولات جهان عرب با درگیر شدن نظامی در جنگ داخلی سوریه، نقش داوری بی طرف خود را در خاورمیانه رها کرد. روابط این کشور با اسرائیل، وارد نوعی بن بست سیاسی طولانی شد و روابط دوجانبه آن با مصر نیز به بن بست رسید. در نتیجه، از سال 2020، ترکیه سفیری در مصر، اسرائیل، یا سوریه نداشت؛ سه کشور کلیدی منطقه ای که در اوایل دهه 2000 به منظور تقویت قدرت منطقه ای خود، با آن ها روابط گسترده ای برقرار کرده بود. در همان زمان، آنکارا با متحدان غربی خود در چندین زمینه، از جمله اکتشاف انرژی در شرق دریای مدیترانه، در تقابل قرار گرفت که سبب درگیری رودررو با اتحادیه اروپا و یونان شد؛ شرایطی که پیشتر در تاریخ اتحاد فرآتلاتیک بی سابقه بود.

در انتخابات محلی سال 2019، حزب حاکم (AKP) برای نخستین بار در طول 15 سال گذشته، کنترل استانبول و آنکارا و همچنین، 5 شهر از 6 شهر بزرگ ترکیه را از دست داد. این مشکل، به گونه ای گسترده، به مدیریت نادرست حزب عدالت و توسعه در بحران اقتصادی ترکیه، اقتدارگرایی فزاینده، و همچنین، انفعال ادعایی دولت در بحران پناهندگان سوری نسبت داده شده است (Carlotta, 2019, 11). بی درنگ پس از انتخابات، دولت ترکیه دستور برگزاری دوباره انتخابات در استانبول را صادر کرد. این تصمیم، سبب کاهش محبوبیت حزب عدالت و توسعه شد و در انتخابات ژوئن با اختلافی بیشتر شکست خورد (GauthierVillars, 2019, 12). این رویداد، ضربه بزرگی به اردوغان بود که زمانی گفته بود اگر حزیش «استانبول را از دست بدهد، ما ترکیه را از دست می دهیم». نظریه پردازان، برگزاری دوباره انتخابات را یک اشتباه محاسباتی بزرگ دولت می دانند که می تواند سبب نامزدی احتمالی داوود اوغلو در انتخابات ریاست جمهوری بعدی شود (Lowen, 2019, 13). به نظر می رسد که شکست دولت می تواند سبب تغییر کابینه و انتخابات عمومی زودهنگام شود که در حال حاضر برای ژوئن 2023 برنامه ریزی شده است (Carlotta, 2019, 11). حزب عدالت و توسعه در طول



سال‌های 2020 و 2021، بیشتر به سبب سیاست‌های اردوغان در مورد پ.ک.ک.²⁵ و افزایش ناسیونالیسم ترکیه، تقریباً حمایت کردها را از دست داد (Zaman, 2021, 1). افزون‌براین، ترکیه از طریق مداخله در جنگ داخلی سوریه، دخالت در جنگ داخلی لیبی (با قرار گرفتن در کنار دولت وفاق ملی)، و حمایت از آذربایجان (در تلاش برای بازپس‌گیری کنترل این کشور)، توانایی‌هایش را در خارج نزدیک خود گسترش داد. سرزمین قره‌باغ را اشغال کرد و سرانجام، در مقابل ائتلاف یونان، فرانسه، مصر، و یونانی‌های قبرس در شرق مدیترانه قرار گرفت. همچنین، در اکتبر 2015 یک پایگاه نظامی در منطقه نظامی طارق‌بن‌زیاد در خارج از دوحه قطر ایجاد کرد و در اوت 2019 آن را با یگان‌های نیروی دریایی و هوایی تقویت کرد. ترکیه با نشان دادن توانایی خود برای گسترش قدرت فراتر از دایره همسایگی، توانسته است در بخشی از دوازده عملیات حمایت از صلح سازمان ملل، ناتو، و اتحادیه اروپا در افغانستان، کوزوو، بوسنی و هرزگوین، لبنان، سومالی، و عراق شرکت کند. ترکیه رویکرد سیاست خارجی بسیار انعطاف‌پذیری را در برابر روسیه از خود نشان داده است؛ این درحالی است که می‌داند که «روسیه به عنوان یکی از بازیگران بسیار برجسته در کشورهای نزدیک ترکیه، محدودیت‌های چشمگیری را برای این کشور ایجاد می‌کند. در واقع، روسیه حوزه‌های نفوذ طبیعی ترکیه در قفقاز، شمال سوریه، و شمال عراق را مسدود می‌کند و بر دریای سیاه تسلط دارد. با این حال، ترکیه در برابر روسیه، محدود است؛ زیرا، از جنبه‌های گوناگونی به روسیه وابسته است؛ به ویژه در تأمین انرژی که به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه ایران نمی‌تواند به راحتی آن را متنوع کند (Neset et al., 2021, 68).

۴. رقابت و همکاری حزب عدالت و توسعه با جمهوری اسلامی ایران

در بررسی گذشته تاریخی ایران و ترکیه در می‌یابیم که دو کشور به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی در دوره استقرار دو نظام سلطنتی صفوی و عثمانی و نقش آفرینی آن‌ها بر بنیاد ایدئولوژی‌های متفاوت تضاد فکری و ایدئولوژیک - همراه با رقابت دو امپراتوری بر سر قدرت، سطوح تماس و مرزهای ناپایداری داشتند (Hafeznia, 2014, 349) که می‌تواند بر تعامل و تعارض دو ایدئولوژی با توجه به شناسه‌ها و متغیرهای فرهنگی و هویتی شان تأثیرگذار باشد. مجموعه سیاست‌ها، اقدامات، و برنامه‌های ترکیه در مناطق پیرامونی همانند آسیای مرکزی، قفقاز، غرب آسیا، و شمال آفریقا، ایفای نقش مدیریتی و رهبری در تحولات عربی و گسترش حوزه نفوذ حزب عدالت و توسعه در قلمروهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی در خاورمیانه و جهان اسلام، سبب تضاد منافع این کشور با جمهوری اسلامی ایران شده است (Gholizadeh, 2013, 109). در دو دهه اخیر، روابط اقتصادی ترکیه و ایران با افزایش تحرک گردشگران بین دو کشور ابعاد جدیدی یافته است. تعداد گردشگران ایرانی که از ترکیه بازدید می‌کنند، به تدریج از حدود چهارصد هزار



۴۰۷

تأثیر سیاست

خاورمیانه‌ای حزب عدالت
و توسعه (۲۰۱۹-۲۰۰۲)
بر سیاست خارجی ایران

نفر در سال ۲۰۰۲ به تقریباً دو میلیون نفر رسیده است. در اوایل دهه ۲۰۱۰، ترکیه، نخستین انتخاب گردشگران ایرانی به خارج از کشور بوده و افزایش تعداد گردشگران ایرانی، کمک زیادی به اقتصاد ترکیه کرده است. گردشگران ایرانی که به ترکیه سفر می کنند معمولاً به طور متوسط، هفت روز در آنجا حضور دارند و مبلغی نزدیک به هزار دلار آمریکا هزینه می کنند. باین حال، مقامات ایرانی از تعداد نسبتاً کمی از شهروندان ترکیه که به ایران سفر می کنند، شکایت دارند. در سال ۲۰۱۶ تعداد ترک هایی که به ایران سفر کرده اند به دو یست و چهل و سه هزار نفر رسید؛ در نتیجه، ایران، ششمین مکان محبوب برای گردشگران ترک به خارج از کشورشان بوده است. شهروندان ترکیه پس از شهروندان عراق، آذربایجان، و افغانستان، از میان پنج میلیون بازدیدکننده از ایران در سال ۲۰۱۴، در رتبه چهارم قرار گرفتند. و ایران، فرصت های جدیدی را برای تاجران ترکیه ای نیز فراهم کرده است تا با ساخت هتل های مجلل، در صنعت گردشگری ایران سرمایه گذاری کنند (Bayram, 2021, 11). تحولات سوریه سبب تیره شدن روابط دو کشور شد. در حالی که ترکیه، جنگ سوریه را فرصتی برای افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه به شمار می آورد، ایران این رویکرد ترکیه را فرصت طلبانه و در راستای ایجاد یک معمای امنیتی تفسیر می کرد؛ به گونه ای که شورش علیه دولت بشار اسد را تهدیدی جدی برای خود و متحد راهبردی اش، حزب الله لبنان، قلمداد می کرد (Omidi, 2012, 5). ساختار سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه و ایران از یک سو، و مؤلفه های فرهنگی، تاریخی، و ایدئولوژیک از سوی دیگر، مناسبات دو کشور را وارد فضای رقابت در عین همکاری کرد. موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور پس از پایان جنگ سرد و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ آنان را وارد فضای رقابت برای دسترسی به بازار عراق، دستیابی به منابع انرژی، و توازن قوای منطقه ای در خاورمیانه کرد. سهم هریک از این دو کشور از بازارهای منطقه تا سال ۲۰۱۴ در جدول شماره (۲)، مشخص شده است (Mousavi et al., 2016, 176).

جدول شماره (۲). سهم ایران و ترکیه از بازارهای منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۴ (میلیون دلار)

سهم ایران از بازار کشورهای منطقه خاورمیانه				سهم ترکیه از بازار کشورهای منطقه خاورمیانه			
رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ایران به میلیون دلار	کشورها	رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ترکیه به میلیون دلار	کشور
۲	۲۰	۶۲۰۰	عراق	۱	۳۰	۱۱۸۵۰	عراق
۱۴	۴/۵	۳۰۳	سوریه	۱	۱۶/۷	۱۰۲۵	سوریه
۵۱	۲ درصد	۴۲	لبنان	۲	۵/۶	۲۸۹	فلسطین
۶۶	۱ درصد	۱۸	اردن	۶	۵/۳	۱۱۳۴	لبنان
۱۱۴	۰	۵ درصد	فلسطین	۷	۳/۵	۷۵۵	اردن

حزب عدالت و توسعه در کنار رقابت های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک با ایران، از جنبه هایی از

همکاری نیز بهره می‌گیرد. وضعیت بحرانی خاورمیانه و چالش‌های پرشماری که در پیرامون دو کشور وجود دارد، آن‌ها را وارد همکاری‌هایی می‌کند که در آن، منافع مشترکی دارند. انتقال انرژی به اروپا، یکی از زمینه‌های همکاری دو کشور است. ایران، دارای ذخایر فراوانی از نفت و گاز و ترکیه، گذرگاه مناسبی برای انتقال این منابع به اروپا است، اما این همکاری، مداوم نیست و گاهی ترکیه تلاش‌هایی را برای محدود کردن انتقال منابع انرژی ایران به اروپا ایجاد می‌کند؛ اما با توجه به اینکه این کشور، مصرف‌کننده نفت و گاز صادراتی ایران است، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده است (Naghdinjad, 2009, 114).

۵. تأثیرات سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه بر جمهوری اسلامی ایران

امروزه ترکیه در پی تبدیل شدن به یک قدرت مهم منطقه‌ای و بین‌المللی است و خواهان این است که تا سال 2023 که صدمین سالگرد تأسیس ترکیه نوین است، به یکی از 10 قدرت اقتصادی برتر جهان تبدیل شود. در این راستا، مقامات این کشور بر این نظرند که باید گفتمان ملی و گفتمان سیاست خارجی این کشور در یک راستا و به موازات هم حرکت کنند تا در پیگیری اهداف خود با مشکل روبه‌رو نشوند (Tajik & Seadati, 2016, 9). حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک و نقش مذهب، هویت دوران اقتدار عثمانی را بازیابی کند و نفوذ سیاسی، فرهنگی، و تاریخی خود را در جغرافیای پیرامونی گسترش دهد؛ سیاستی که در قالب رویکرد سازه‌انگاری واقع‌گرا قابل بررسی است. این رفتار ترکیه در عرصه سیاست خارجی، پیامدهای مهمی برای منطقه، و تأثیرات مستقیمی بر جمهوری اسلامی ایران داشته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

۱-۵. گسترش الگوی اسلام ترکیه‌ای، تقابل هویتی، و تشدید رقابت‌های شیعی و سنی

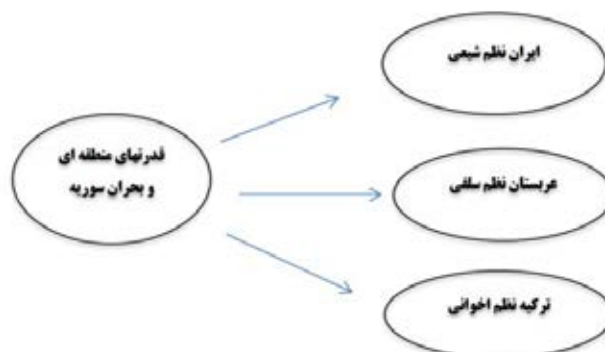
حزب عدالت و توسعه از یک سو، با تأکید بر هویت اسلامی خود در منطقه در پی این است که خود را به‌عنوان یک الگوی موفق دموکراسی در میان کشورهای عربی معرفی کند و از سوی دیگر، در تلاش است تا با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک، توان خود را در جغرافیای سرزمینی مجاور که زمانی در سیطره حکومت عثمانی بود، گسترش دهد (Al Jazeera, 1, 2011, English). اما ویژگی‌های خاص خاورمیانه، یکی از بحث‌های اصلی رئالیسم، یعنی نفوذناپذیری و هویت ملی امن، را باطل می‌کند و افزون‌براین، هویت و حاکمیت دولتی، سبب شده است که سیاست‌گذاری خارجی در غرب آسیا بسیار پیچیده شود (Heine Bush, 28, 2012)؛ بنابراین، در تحلیل مسائل منطقه بایستی هم بر مسائل ژئوپلیتیک تأکید داشت و هم مبانی هویتی را دخیل دانست. در این مجموعه، عناصر هویتی به کنشگران می‌گوید که چه کسانی هستند و دیگران کیستند. به این ترتیب، روابط خود را با جهان بیرون، در قالب منازعه اسلام و غرب تعریف می‌کنند (Halliday, 2012, 27). افزون‌براین، تصور تهدید جمهوری



اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه نسبت به همدیگر را باید در راستای رقابت‌های این دو کشور برای حفظ یا افزایش نفوذ خود در منطقه و ارائه الگوی نظم اخوانی یا شیعی مورد نظرشان به‌شمار آورد. ترکیه تلاش کرده است از شرایط به‌وجود آمده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا استفاده کند و موازنه و نظم منطقه‌ای را با ارائه الگوی اخوانی به‌نفع خود تغییر دهد؛ درحالی‌که الگوی جدید اخوانی در منطقه، به‌ویژه پس از بحران سوریه، به‌رهبری حزب عدالت و توسعه، دوباره جان گرفت و این کشور، خواهان موازنه نظم اخوانی در مقابل نظم شیعی ایران و سلفی عربستان بود (Flahh, 2013, 91).

اگرچه در دوران پیش از تحولات عربی نیز رقابتی چهاروجهی در منطقه بین مصر، ترکیه، عربستان، و ایران برای کسب قدرت و الگوی حکومتی در منطقه وجود داشت، اما با وقوع تحولات عربی، خود مصر به عرصه تاخت‌وتاز این دگرگونی‌ها تبدیل شد و سه کشور دیگر در تلاش بودند تا نظم مورد نظر خود را در منطقه حاکم کنند. افزون‌براین، با وجود بحران سوریه، این رقابت و رویارویی به رقابتی راهبردی، ژئوپلیتیکی، و ایدئولوژیکی تبدیل شد که براساس آن هریک از این سه کشور، منافع و ملاحظات خاص خود را متناسب با نقش خود دنبال می‌کردند. به‌این ترتیب، سه کشور ایران، عربستان سعودی، و ترکیه مطابق شکل شماره (1) به‌عنوان نمایندگان اصلی سه نظم شیعی، سلفی، و اخوانی در بحران جاری سوریه، رقابتی ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی را با هم شروع کردند (Soltani nejad et al., 2016, 107-113).

شکل شماره (۱). نظم منطقه‌ای حاکم بر تحولات سوریه



ترکیه سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را با هدف کسب هژمونی منطقه‌ای، دستیابی به منابع انرژی، و تصاحب بازارهای خاورمیانه، آغاز کرد. همچنین، از طریق دیپلماسی عمومی و نفوذ در میان افکار عمومی منطقه، در پی به‌چالش کشیدن نظم موجود در منطقه و ایجاد نظم مطلوب خود بود؛ به‌گونه‌ای که در آن ترکیه به‌عنوان قدرت هژمون نقش‌آفرینی کند (Mousavi et.al., 2016, 178). با آغاز بحران سوریه، ترکیه با مداخله در امور داخلی این کشور و حمایت همه‌جانبه از مخالفان اسد، از سوریه درخواست کرد تا اصلاحات مورد نظر مخالفان را انجام

دهد و دموکراسی را بپذیرد. در بحران عراق نیز ترکیه برای سرنگونی حکومت شیعی عراق، کمک مالی و نظامی زیادی به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) کرد. به نظر ایران، نفوذ ترکیه در کشورهای عراق و سوریه، به عنوان حوزه‌های نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران، تهدید مستقیمی برای منافع و امنیت ملی این کشور به شمار می‌آید (Mousavi et. Al., 2016, 176). در هر دموکراسی‌ای، بحث و مناظره دربارهٔ بدبهره‌گیری دولت از قدرت و تغییرات اجتماعی، اخبار را اشباع می‌کند؛ اما در ترکیه این‌گونه نیست. هیچ نخست‌وزیری در تاریخ ترکیه، به اندازه اردوغان با مطبوعات دشمنی نداشته است. زمانی که اردوغان قدرت را به دست گرفت، مطبوعات در این کشور پر جنب و جوش بودند، اما اکنون ضعیف هستند. نخست‌وزیر از ده‌ها روزنامه‌نگار و سردبیر شکایت کرده است؛ زیرا، گاهی، چیزی بیش از یک کاریکاتور سیاسی برای مسخره کردن او نیستند. هنگامی که یک گروه رسانه‌ای ترکیه، داستانی را دربارهٔ انتقال غیرقانونی یک مؤسسهٔ خیریهٔ ترکی آلمانی به اسلام‌گرایان در ترکیه دنبال کرد، مقامات مالیاتی، آن را با 600 میلیون دلار و توقیف جعلی، مجازات کردند و هنگامی که به گزارش انتقادی خود ادامه داد، به پرداخت 2/5 میلیارد دلار جریمهٔ مالیاتی اضافی محکوم شد. اردوغان در راهبردی که از ایران به عاریت گرفته است، روزنامه‌هایی را مصادره کرده است که به عنوان نمونه می‌توان به روزنامهٔ پرتیراژ ملی «صبح» اشاره کرد که روزنامه‌ای بسیار مهم و مستقل بود، اما کنترل آن به متحدان سیاسی حزب واگذار شد (Rubin, 2010, 12).

۲-۵. گرایش‌های قومی ترکیه، تشدید قوم‌گرایی در منطقه، و پیامدهای آن برای ایران

سیاست منطقه‌ای ترکیه در رویارویی با کشورهای همسایه را می‌توان به خوبی بر پایهٔ نظریهٔ سازه‌انگاری واقع‌گرا، بررسی و تحلیل کرد. حزب عدالت و توسعه، در پی تشدید مسائل هویتی، افزایش نفوذ پان‌ترکیسم، و مدیریت فعالیت‌های قوم‌گرایانهٔ آذری‌ها در ایران است (Pichan & Besharti, 2012, 76; Mohagheghnia et. al, 2018, 153). حمایت ضمنی ترکیه از برخی فعالیت‌های آذربایجانی‌های ایران در خاک ترکیه، از جمله مسائلی است که روابط این دو کشور را تیره کرده است (Eivazi & Hosseini, 2015, 112). میزبانی برخی گروه‌های قوم‌گرای آذربایجانی، آغاز فعالیت تشکلی به نام «شورای ملی ترک‌های آذربایجان ایران» در آنکارا، و پوشش رسانه‌ای این فعالیت‌ها توسط برخی محافل نزدیک به حزب حاکم مانند نشریهٔ «تودی زمان» نمونهٔ دیگری از تغییر رویهٔ دولت اردوغان در سیاست عدم‌مداخله در مسائل داخلی کشورهای همسایه است؛ موضوعی که در سال‌های گذشته، حساسیت‌های زیادی را در روابط دو کشور ایجاد کرده است (Bani Hashemi, 2013, 182). افزون‌براین، استفادهٔ گستردهٔ رهبران ترک از تاریخ عثمانی و نشانه‌های ملی‌گرایانه، موجب تقویت این برداشت شد که حزب عدالت و توسعه، خواهان گسترش روابط خود با کشورهای مسلمان و همچنین، کشورهای ترک‌زبان در قالب شورای همکاری ترک‌زبانان و اقلیت‌های ترکمن در کشورهایمانند عراق



است (Haghpanah, et.al, 2015, 155).

حمایت و تلاش برای تجزیه عراق شیعی و تشکیل «دولت مستقل کردی» و عقب راندن کردهای شمال سوریه تا عمق 30 کیلومتری مرزهای خود، از علایق قومی حزب عدالت و توسعه است تا تنش‌های کردی منطقه را از مرزهایش دور و به مرزهای ایران نزدیک کند؛ به گونه‌ای که بین ارزش‌های فرهنگی-قومی و دینی-مذهبی ایران، نوعی تعارض ایجاد کرده و این کشور را درگیر مناقشات منطقه‌ای جدیدی کند. افزون‌براین، اردوغان با هوشیاری در تلاش است تا با تقویت پیوندهای فرهنگی و تاریخی آذربایجان و ترکیه، مشکلات جدیدی را برای ایران ایجاد کند (Pezeshki, 2018, 1). این درحالی است که ترکیه و ایران - که به ترتیب نخستین و دومین جمعیت بزرگ کرد منطقه را در خود جای داده‌اند - به‌طور هم‌زمان از احساسات جدایی طلبانه کردها بیم دارند. از زمان شکست مذاکرات صلح در ژوئیه ۲۰۱۵ میان ترکیه و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، این مناقشه وارد وضعیتی خونین شده و بخش‌های بزرگی از جنوب شرق ترکیه تا غرب این کشور را دربر گرفت (Tajik & Seadati, 2016, 118).

اگرچه دو کشور ایران و ترکیه، برای مقابله با احساسات ملی‌گرایانه کرد، همکاری‌هایی با هم دارند، ولی از سال ۲۰۱۱ به‌این‌سو این همکاری‌ها تحت‌الشعاع بحران سوریه قرار گرفت و این دو کشور حتی در شمال سوریه نیز از گروه‌های متفاوت کرد حمایت کرده‌اند. هرچند به‌لحاظ نظری، قدرت گرفتن پ.ک.ک و گروه‌های وابسته به آن، تهدیدی برای هر دو کشور به‌شمار می‌آید، اما تصرف سرزمین‌های گسترده از سوی «حزب اتحاد دموکراتیک سوریه» که وابسته به پ.ک.ک است و شاخه نظامی آن، یعنی «واحد‌های مدافع خلق»، که به‌طور مستقیم مخالف منافع ترکیه‌اند، سبب شده است که مقامات آنکارا، ایران را در این باره متهم کنند. اما واقعیت این است که روسیه در این ماجرا نقش اصلی را به‌عهده داشته است و حتی آشکارا از فدرالی شدن نظام حکومتی در سوریه حمایت کرده است. اما «آنکارا به گونه‌ای محسوس در مورد دخالت روسیه در شکست جنگجویان شورشی طرفدار خود در حلب سکوت کرده است. در مقابل، مقامات ترکیه، ایران را به‌عنوان عامل جنگ فرقه‌ای معرفی می‌کنند. تبلیغات حزب عدالت و توسعه علیه ایران با رنگ‌و‌لعب مذهبی و تاریخی آشکارا نشان‌دهنده تلاش ترکیه برای تحریک احساسات مردمی است». در عراق نیز، ترکیه از مسعود بارزانی^{۲۶}، رئیس «اقلیم کردستان عراق»^{۲۷} حمایت کرده و ایران، پشتیبان رقیب بارزانی، یعنی جلال طالبانی^{۲۸}،



۲۶- M. Barzani-

۲۷- Kurdistan Region-

۲۸- J. Talebani-

رهبر «اتحادیه میهنی کردستان»^{۲۹} بوده است (Idiz, 2016, 4).

مقاومت یگان‌های مدافع خلق و پ.ک.ک در مقابل داعش از یک سو و سیاست‌های تهاجمی ترکیه در عراق و سوریه از سوی دیگر، تأثیر مستقیمی بر توازن منطقه‌ای داشت. مقامات آنکارا بر این نظرند که افزایش نفوذ پ.ک.ک در عراق در چند سال اخیر، نمی‌توانست بدون تأیید ایرانی‌ها روی دهد. رسانه‌های هوادار حزب عدالت و توسعه (همچون ینی‌شفق و حریت) نیز مدعی شده‌اند که ایران، اکنون سه قرارگاه پ.ک.ک را در خاک خود میزبانی می‌کند و از طریق سازمان‌های مسلح اقماری خود مانند واحدهای حشد الشعبی، بسیج مردمی عراق، به کردها اسلحه می‌رساند (Hü rriyet Haber, 2016, 1).

اگرچه مدارکی دال بر اینکه برخی بازرگانان ترکیه، مواد شیمیایی قابل استفاده برای ساخت بمب را به قلمرو داعش می‌فرستند، وجود داشت، اما اتهام‌زنی‌های ترکیه علیه ایران بسیار شدیدتر بود. ترک‌ها بر این نظرند که ایران، در کنار مقابله با حزب «حیات آزاد کردستان (پژاک)^{۳۰}»، همیشه روابط ابهام‌برانگیزی با کردهای عراق و سوریه داشته است؛ اما آشکار است که تهران نیز به تلاش گروه ناسیونالیست کردی حزب اتحاد دموکراتیک^{۳۱} (پ.ی.د) برای ایجاد یک قلمرو پیوسته تحت کنترل کردها، با بدگمانی نگاه می‌کند و نگران است که چنین موجودیتی، به یک پایگاه برای قدرت‌های غربی تبدیل شود؛ اگرچه در حال حاضر، آمریکا منطقه را تخلیه کرده است. در عراق نیز، تهران، پ.ک.ک را سرمایه‌ای برای ایجاد توازن در برابر حضور نظامی ترکیه در بعشقه به‌شمار می‌آورد (Hü rriyet Haber, 2016, 1).

زمانی که تنش میان آنکارا و تهران بر سر آینده تلعفر بالا گرفت، واحدهای حشد الشعبی رغبت بیشتری به ایجاد اتحاد تاکتیکی با کردها نشان دادند. اما حمایت از سازمانی که در فهرست گروه‌های تروریستی است، تنها به‌منظور بی‌ثبات‌سازی کشور همسایه، راهبردی نیست که ایران آن را دنبال می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که وسعت حوزه‌های همکاری اقتصادی ایران و ترکیه، وابستگی متقابل آن‌ها را به‌نمایش می‌گذارد. همچنین، ایران از همکاری با کردها به‌منظور ایجاد یک مسیر امن به‌سوی مدیترانه، که تهران را به بندر لاذقیه در سوریه وصل کند، استقبال می‌کند. شهرهای اصلی مانند کوبانی و قامیشلی در شمال سوریه و سنجار در عراق، نقاط حیاتی اتصال‌دهنده این گذرگاه مطلوب ایران هستند (Tajik & Seadati, 2016, 120).

حتی اگر ترکیه می‌توانست شهرهای کردنشین سوریه را در حملات سال 2019 خود به این کشور اشغال کند، قادر به حکمرانی پایدار بر این مناطق نبود. با این برآوردها، برای ایران معقول است که به تثبیت مسالمت‌آمیز حضور کردها کمک کند. اکنون، بیشتر دو نوع رویکرد و نگاه

۲۹- Patriotik Union of Kurdistan-

۳۰- PJAK-

۳۱- PYD-



در رسانه‌های کردی به چشم می‌خورد: دسته‌ای بر این نظرند که کردها در جنگ سرد میان ترک‌ها و ایرانی‌ها قربانی می‌شوند و عده دیگری نیز بر این نظرند که کردها می‌توانند بر طرح‌ها و اقدامات ایرانی‌ها و ترک‌ها اثر بگذارند و سرنوشت خود را به دست بگیرند. گزینه دوم می‌تواند سبب برنده بودن همه طرف‌ها شود؛ لیکن تازمانی که ترکیه و ایران، سیاست‌های فعلی خود را در مورد شمال عراق و سوریه دنبال کنند، روابط ایران و کردها نیز از دیدگاه مقامات آنکارا، مناقشه‌برانگیز تلقی خواهد شد (Tajik & Seadati, 2016, 121).

۳-۵. دیپلماسی ناموزون منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای اعمال فشار بر ایران

ترکیه به منظور زیر فشار قرار دادن کشورهایی چون ایران و سوریه، دیپلماسی موزون را که یکی از پایه‌های سیاست خارجی این کشور زیر پرچم گفتمان تنوع‌گرای بود، تغییر داده است. در واقع، با اوج‌گیری اختلاف‌ها بین ایران و ترکیه در تحولات منطقه، دیپلماسی موزون به دیپلماسی ناموزون علیه ایران تغییر یافت. دولت اردوغان در راستای تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود برای حمایت از گروه‌های مخالف سوری، جلسه‌هایی را با ارتش آزاد سوریه و شورای ملی تشکیل داده است (Ajili & Ghoraiishi, 2014, 111). ترکیه ضمن حمایت از برخی گروه‌های مخالف سوریه، با برپایی اردوگاه‌های پناهندگی برای مخالفان در داخل مرزهای خود با سوریه، برگزاری نشست سران گروه‌های مخالف سوری در خاک ترکیه (شهر استانبول) با عنوان شورای آزادی‌بخش ملی سوری‌ها، و تلاش‌های دیپلماتیک دیگر، برای ترغیب سوریه به انجام اصلاحات دموکراتیک تلاش کرده است. ترکیه، خواستار مجازات بین‌المللی سوریه بود و کشورهای غربی نیز از آن حمایت می‌کردند؛ بنابراین، خواهان روی کار آمدن مخالفانی بود که در آینده، مورد حمایت ایران نباشند (Tajik & Seadati, 2016, 119). مقامات آمریکایی نیز با آگاهی از این موضوع، در پی تغییر رژیم در سوریه بودند. در صورت تحقق این وضعیت، موازنه قوای منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و متحدانش در منطقه تضعیف می‌شد. به همین دلیل، ایران از بقای اسد در سوریه حمایت کرد تا امنیت ملی خود را حفظ کند (Hatami, 2016, 37-38). در همین راستا ترکیه در سال 2016 با تأیید بیانیه ضدایرانی در نشست استانبول، مواضع خود را در تقابل با جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشت (Afghanistan Reform Newspaper, 2016). در پشت پرده اجلاس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۱۷، که هر ساله برگزار می‌شود، می‌توان اوج لفاظی‌های ترکیه علیه ایران را مشاهده کرد. در این اجلاس، مولود چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه این کشور، با مطرح کردن ادعاهای تکراری علیه ایران گفت: «ترکیه، مخالف هر نوع تقسیم‌بندی دینی یا طایفه‌ای است؛ اما متأسفانه ایران به اقدامات نفرت‌آمیز طایفه‌ای ادامه می‌دهد و به فرصت صلح در خاورمیانه ضربه می‌زند. ایران با دخالت در یمن، بحرین، و عربستان سعودی، ثبات منطقه را برهم می‌زند. ایران تلاش می‌کند سوریه و عراق را به دو کشور شیعی تبدیل کند» (Mashregh, 2017).



(12).

۴-۵. تلاش برای تضعیف گفتمان مقاومت اسلامی و افزایش شیعه‌هراسی در منطقه

یکی از موضوع‌هایی که ترک‌ها در سال‌های اخیر در حوزه مسائل جهان اسلام در نظر داشته‌اند، بحث گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه غربی آسیاست. برخلاف دولت‌های پیشین که به مسئله گفتمان مقاومت در منطقه توجه زیادی نداشتند، حزب عدالت و توسعه به این نکته پی برده است که گفتمان مقاومت در جهان اسلام، به‌ویژه میان توده‌هایی از اجتماع، طرفداران زیادی دارد؛ به‌همین دلیل، ورود به این بحث‌ها و خارج کردن این امور از کنترل جمهوری اسلامی ایران، یکی از اهدافی است که حزب عدالت و توسعه به‌صورت نرم‌افزاری دنبال می‌کند (Gholizadeh, 2013, 124). این حزب تلاش می‌کند محوریت ایران در گفتمان مقاومت را با چالش روبه‌رو کند. از آنجا که ایران، پشتیبان اصلی مقاومت و ژئوپلیتیک شیعی است که از ایران تا عراق، سوریه، و لبنان امتداد می‌یابد، حزب عدالت و توسعه، به‌طور هم‌زمان، در پی تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران، تضعیف سوریه، و تغییر زبان مقاومت به‌نفع خویش است (Ahmadian et.al., 2017, 159).

در همین راستا، حزب عدالت و توسعه نه‌تنها رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخته و روابط سیاسی خود با آن را حفظ کرده است، بلکه رسماً به موجودیت اسرائیل احترام می‌گذارد. این درحالی است که ترکیه در سال‌های گذشته با ایجاد روابط متوازن با احزاب گوناگون در لبنان، در تلاش است تا نفوذ ایران در این کشور را کاهش دهد (Masoudnia & Najafi, 2012, 153). از سال 2010 به این سو نیز به دلیل تداوم جنگ داخلی در عراق و سوریه و قدرت گرفتن داعش در سال 2014، تهدیدها علیه شیعیان و شیعه‌هراسی در ترکیه افزایش یافته است. هرچند این رفتار به‌شدت دوران عثمانی نیست، اما در سال‌های اخیر، برنامه‌ها و تبلیغات گسترده‌ای در این کشور در راستای اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی، فارس و ترک، و نفرت‌انگیزی علیه ایران انجام شده است. شیعه‌هراسی در ترکیه را از دو جهت می‌توان مشاهده کرد: نخست تجربه شخصی شیعیان ترکیه که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و وجه دیگر آن، زبان و الفاظی است که رسانه‌های جریان اصلی برای تحلیل رویدادها و سیاست کشورهای شیعی استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، زبانی که برای بررسی رویدادهای ایران، عراق، یمن، لبنان، بحرین، و سوریه به کار می‌رود، با کشورهای دیگر منطقه متفاوت است (Tremblay, 2015, 3).

افزون‌براین، سریال‌هایی همچون «دره گرگ‌ها»، «دولت پنهان در عثمانی» و «تپه شفقت» که در سال‌های اخیر در ترکیه پخش می‌شد، تنها اشاره‌هایی به این سیاست ترکیه است که آشکارا تخریب چهره ایران را در دستور کار قرار داده است. در همه این فیلم‌ها، یک شخصیت ایرانی مانند سرکنسول ایرانی، عنصر اطلاعاتی ایران، یا معشوقه ایرانی سلطان، به‌عنوان عامل همه بدبختی‌های آن‌ها معرفی می‌شود. نمونه جدید این اقدام ترک‌ها را می‌توان در پخش سریالی





با عنوان «آخرین روزها» از شبکه تلویزیونی «سامان یولی» مشاهده کرد که در فصل دوم آن، به طور مشخص، مبارزه نیروهای ترک معطوف به نیروی قدس سپاه پاسداران ایران شده است. «سرزمین عثمانی‌ها» نیز سریال دیگری است که تلاش کرده است، چهره‌ای عادل از جمال پاشا ارائه دهد که اعراب را به سوی دموکراسی هدایت می‌کند، اما شاه ایران با ایجاد گروهی به سرکردگی قاسم آغا، در پی ترور سلطان عادل عثمانی است. بیشتر شیعه‌هراسی تنها در کتاب‌های فقهی علمای سنی ترکیه نمود و بروز داشت، اما پژوهش‌های مؤسسه نظرسنجی «پیو»^{۳۲} نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۴؛ احساسات ضدایرانی در ترکیه شدیدتر از احساسات ضدآمریکایی بوده است. حتی در بخش‌هایی از استانبول، حمایت از داعش و عقاید سلفی به حدی قوی بود که شیعیان را رافضی، صفوی، یا دجال می‌خواندند و هر شهروند شیعه را نیز فردی با قابلیت جاسوسی برای ایران در نظر می‌گرفتند (Rezaie, 2017, 86).

هرچند این احساس نفرت، تعصب، و شک در مورد شیعیان، ارمنان جنگ داخلی عراق و سوریه است، اما ترکیه نیز با بهره‌گیری ایدئولوژیک از نقش مذهب در تلاش است تا تحولات منطقه‌ای را به گونه‌ای مدیریت کند که نفوذ خود را در این مناطق گسترش دهد. این افزایش نقش، تداعی‌کننده رقابت دو امپراتوری عثمانی و صفوی در قرن شانزدهم است که به خاورمیانه انتقال یافته است. دامنه این درگیری‌ها به اندازه‌ای بود که بین سال‌های ۱۵۵۵ تا ۱۹۱۸، میان امپراتوری عثمانی و حاکمان ایران، در مورد مرزهای مورد مناقشه، نزدیک به ۱۸ معاهده امضا شد (Savagheb & zakii, 2016, 16).

۵-۵. تلاش برای محدود کردن نقش ایران، بر هم زدن توازن قوا، و بی‌ثباتی در منطقه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، گفتمان سیاسی سنتی ترکیه تغییر کرد و در نتیجه، هویت اسلامی ترکیه در سیاست خارجی این کشور نمایان‌تر شد. در واقع، این گزاره که هرچه ترکیه هویت شرقی خود را نادیده بگیرد، می‌تواند به هویت غربی نزدیک شود، جای خود را به این گزاره داد که پذیرش جایگاه ترکیه در غرب، از طریق تقویت پیوندهای این کشور با شرق، امکان‌پذیر خواهد بود. حزب عدالت و توسعه با بهره‌گیری هم‌زمان از مبانی هویتی و موقعیت ژئوپلیتیک، در پی کسب منافع بیشتر، افزایش نقش منطقه‌ای خود در خاورمیانه، و افزایش میزان بازیگری خود در سطح جهانی است. در این راستا ترکیه به دنبال محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران و نقش آفرینی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است. اگرچه ترک‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای خود با عربستان همراهی می‌کنند، اما بازی ترکیه در حوزه نفوذ سنتی عربستان، این ترس را در نخبگان سنی جهان عرب ایجاد می‌کند که ترکیه در پی احیای امپراتوری عثمانی و دستیابی به مناطق عرب و سنی‌نشین است؛ بنابراین، حضور ترکیه در تحولات خاورمیانه، سبب تضاد در رویکردهای منطقه‌ای و تنش در روابط سه کشور ایران،

عربستان، و ترکیه در تعریف هویت، منافع، و دستیابی به مناطق پیرامونی می شود (Thamoudi, 2012, 93).

تأثیر مستقیم برجام بر افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به حدی آشکار بود که مخالفان منطقه‌ای ایران، از جمله عربستان سعودی و رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه، به مداخلات و ماجراجویی‌های متقابل نظامی خویش در محیط پیرامونی افزودند و حتی خواهان انزوای سیاسی و افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران شدند (Khabiri & Mohammadi, 2017, 97). عربستان و ترکیه، بهبود روابط ایران و قدرت‌های اروپایی و آمریکا را زمینه‌ساز به هم خوردن توازن منطقه‌ای به ضرر خود می‌دانند. حتی دولت اردوغان نیز با نگاهی بدبینانه، اجرایی شدن برجام را مساوی با افزایش نقش ایران در منطقه، به ویژه در بحران سوریه، به شمار می‌آورد. به همین دلیل، این دو کشور سعی کرده‌اند جبهه واحدی را علیه ایران تشکیل دهند (Sanaie & Kaviyanpor, 2016, 161).

یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جدید حزب عدالت و توسعه، توجه و تأکید بر هویت تاریخی خود در منطقه خاورمیانه است. این حزب با حمایت از مخالفان بشار اسد و تأمین مالی تسلیحاتی و حمایت سیاسی و بین‌المللی از آنان، سیاست‌های غیردوستانه‌ای را در مقابل ایران در پیش گرفت. ترکیه به منظور رصد بحران‌های خاورمیانه و به هم زدن توازن قوای منطقه‌ای، همکاری نظامی گسترده‌ای با آمریکا، ناتو، و اسرائیل دارد، در حالی که اسلام‌گرایان این تلاش را انکار و آن را در راستای بازسازی نقش تاریخی خود تفسیر می‌کنند (Masuodnia & Froghi, 2013, 127).

مؤلفه‌های اقتصادی در کنار عقب‌ماندگی شدید، جامعه بی‌اطلاع از رویدادهای جهانی، نظام‌های فاسد و اقتدارگرا، و جنبش‌های پر شمار اسلام‌گرا و سکولار، این فرصت ویژه را برای ترکیه فراهم کرده است تا با نگاهی توسعه‌طلبانه، در پی مدیریت منطقه با همکاری اسرائیل، عربستان، و آمریکا باشد (Mohammad Sharifi & Darabimanes, 2013, 141). در چنین فضایی، ترکیه خود را زیر فشار تجدید نظرطلبی در منطقه حس می‌کند. با توجه به بافت اجتماعی ناهمگون و وقوع بحران‌های هویتی و نیز تشدید بحران سوریه در منطقه، ترکیه در سطح داخلی با بحران مشروعیت روبه‌رو شد که در نتیجه آن، میزان نارضایتی کردها از حزب عدالت و توسعه افزایش یافت و در روند مذاکرات صلح با «پ.ک.ک» چالش‌هایی به وجود آمد (Amiri, M. & Abedi Safdarabad, 2014, 3).

۵-۶. همبستگی منطقه‌ای و جهانی علیه ایران و تلاش برای محدودسازی ایران در کنترل

منابع انرژی

حزب عدالت و توسعه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های هویتی و ژئوپلیتیک در تلاش است تا یک ائتلاف و همبستگی منطقه‌ای علیه ایران تشکیل دهد. ترکیه از یک سو با پیوستن به محور



سنی-عربی، به دنبال تقویت اندیشه‌های اخوانی و همسانی‌های خود با اعراب سنی است؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸ با پیوستن به پیمان راهبردی سیاسی-امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس، وارد حوزه رقابت با ایران شد و از سوی دیگر، با تشکیل مثلث ترکیه، آذربایجان، و اسرائیل در تلاش است تا با تقویت همبستگی منطقه‌ای علیه ایران، هم به لحاظ ژئوپلیتیک و هم به لحاظ مبانی هویتی تأثیرگذار، فشارها علیه ایران را تقویت کند (Masoudnia, H. & Najafi, 2013, 152). توافق مخفیانه اسرائیل و آذربایجان در مارس ۲۰۱۲، بیانگر مواضع خصمانه آذربایجان در مقابل ایران است و نزدیکی ترکیه، اسرائیل، و آذربایجان در منطقه خزر می‌تواند سرنوشت آینده امنیت انرژی و منابع ایران را به مخاطره اندازد. بر پایه نظر کارشناسان، کنترل منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن می‌تواند نماد عینی بازگرداندن قدرت ترکیه در منطقه و همکاری امنیتی آذربایجان با اسرائیل باشد که ترکیه را قادر خواهد کرد، ضمن کنترل بخش عمده نفت و گاز بازار جهانی، کشورهای مصرف‌کننده نفت را که به طور عمده، دولت‌های غربی هستند، برای دریافت کمک‌های مالی بیشتر زیر فشار قرار دهد. ترکیه و اسرائیل به سبب عدم دسترسی به منابع انرژی، تلاش می‌کنند تا با نفوذ در آذربایجان، ضمن کنترل مسیرهای انتقال انرژی و روند انتقال جریان سرمایه از سوی غرب به حوزه خزر، در منافع اقتصادی حاصل از آن نیز شریک شوند (Ebrahimi et al., 2016, 197).

نتیجه‌گیری

حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه توانست سیاست‌های مطلوبی را با بهره‌گیری هم‌زمان از موقعیت ژئوپلیتیک و مبانی هویتی به‌اجرا گذارد. ارتباط خوب و سیاست تنش صفر با همسایگان و توسعه همکاری‌های دوجانبه اقتصادی، تجاری، و فرهنگی از یک سو و تلاش برای همبستگی مسلمانان و ایجاد ارتباطات دوسویه مسلمانان و مسیحیان، کم‌رنگ کردن فرقه‌گرایی قومی، و دوری از مسائل ایدئولوژیک در منطقه از سوی دیگر، از جمله جهت‌گیری‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در دور نخست فعالیت آن بود که سبب گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش بازیگری ترکیه در خاورمیانه شد؛ اما رفته‌رفته با وقوع تحولات عربی و بی‌ثباتی در خاورمیانه و نیز تحولات دو کشور عراق و سوریه، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه تغییر کرد و جهت‌گیری‌های این کشور با دوگانگی، تعارض، و سردرگمی روبه‌رو شد که پیامدهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی‌ای برای ایران داشت و سبب شد که تهران و آنکارا با اهداف متفاوتی وارد دور تازه‌ای از رقابت و تعارض در خاورمیانه شوند.

ترکیه از یک سو، در پی افزایش قدرت نسبی، ارتقای وزن خود در منطقه، بهره‌گیری از مسائل سیاسی-امنیتی در مناطقی چون هلال حاصلخیز عراق، سوریه، لبنان و فلسطین، افزایش نقش منطقه‌ای، و تقویت نفوذ و قدرت بازیگری خود در خاورمیانه بود و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از مبانی هویتی و ایدئولوژیک، در پی جایگاهی در منطقه برای رهبری جهان اسلام بود. اگرچه

نیازمندی‌های ترکیه به انرژی و منابع نفت و گاز طبیعی ایران سبب شده است که منافع اقتصادی و امنیتی مشترکی داشته باشند، اما منافع آن‌ها در بسیاری از حوزه‌ها در سراسر خاورمیانه با یکدیگر در تضاد و رقابت آشکار قرار دارد. هردوی آن‌ها، هویت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوتی دارند و در نتیجه از قابلیت به چالش کشیدن یکدیگر برخوردارند. در این میان، خیزش‌های عربی، رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی این دو کشور را وارد مرحله‌ای کرد که آشکارترین ابعاد آن را می‌توان در عراق و سوریه مشاهده کرد.

اما حزب عدالت و توسعه از یک سو با بهره‌گیری از مبانی هویتی در خاورمیانه، ترکیه را درگیر بازی‌های ایدئولوژیکی می‌کند که وجه اشتراک چندانی با آن‌ها ندارد و وارد حوزه رقابتی با ایران و عربستانی می‌شود که هر یک، نماینده بخشی از هویت آن (شیعی و سنی) هستند و در قبال آن، منافع متضاد و مشترکی دارند. رفتار حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی با توجه به تنش‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی و بهره‌گیری هم‌زمان ترکیه از مبانی هویتی و نقش مذهب سبب شده است که روابط خارجی ترکیه همواره بی‌ثبات و پرتنش باشد که با وقوع خیزش‌های عربی، این ملاحظات در پرتو مسائل ارزشی ایدئولوژیکی از یک سو و تلاش برای توازن قوای منطقه‌ای از سوی دیگر، متشنج‌تر نیز شده است. افزون‌براین، با تغییراتی که در محیط ژئوپلیتیک پیرامونی ترکیه رخ داد، توازن قوا و امنیت منطقه‌ای با دشواری‌هایی روبه‌رو شد که در کنار رفتارهای سیاست خارجی این کشور و بهره‌گیری از نقش مذهب برای رسیدن به مقاصدی نامعلوم، بررسی و تحلیل سیاست خارجی ترکیه را در چارچوب سازه‌انگاری واقع‌گرا امکان‌پذیر کرده است.

حزب عدالت و توسعه از سال 2016 به این سو، سیاست خارجی رادیکال‌تری را در منطقه دنبال می‌کند. تغییرات هم‌زمان در ماهیت و درک نظام بین‌المللی، پایان جهان تک‌قطبی، ایجاد مراکز جدید قدرت، و تغییرات داخلی در ترکیه، جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور را دگرگون کرده است؛ به گونه‌ای که هم اعتماد اروپایی‌ها را از دست داد و هم به دلیل عدم شناخت از مبانی هویتی منطقه خاورمیانه، قدرت بازیگری خود را با چالش روبه‌رو کرد. حضور ترکیه در تحولات خاورمیانه، سبب بروز تضاد در رویکردهای منطقه‌ای و تنش در روابط سه کشور ایران، عربستان، و ترکیه در تعریف هویت، منافع، و دستیابی به مناطق پیرامونی می‌شود. ترکیه در تلاش است تا با افزایش نفوذ پان‌ترکیسم و تحركات قومی، احساسات آذری‌ها در منطقه را برانگیزد و با شعار زبان مشترک صدای مشترک، این قومیت را پیرامون خود متمرکز کند و از آن برای فشار به ایران بهره بگیرد. همچنین، با دخالت در امور داخلی عراق و سوریه در تلاش بود تا تحركات قومی کرد را مدیریت و با استفاده ابزاری، از آن به نفع خود بهره‌گیری کند.

ترکیه به منظور تحت فشار قرار دادن کشورهایهایی چون ایران و سوریه، دیپلماسی موزون را که یکی از پایه‌های سیاست خارجی این کشور زیر پرچم گفتمان نوعثمانی‌گرایی بود، تغییر داد. در واقع،



با اوج گیری اختلافات بین ایران و ترکیه در تحولات منطقه، دیپلماسی موزون به دیپلماسی ناموزون علیه ایران تغییر کرد. افزون بر این، این سیاست سبب تشدید رقابت های شیعه و سنی در منطقه و تقویت موج شیعه‌هراسی در ترکیه شد و برداشت ترکیه از حقوق بشر و دموکراسی، هم‌سو با رویکرد ایران در منطقه است.



۴۲۰

پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

References

- Abdi, A., Hosseini, S. & Sadeghi, V. (2016). Reconstruction of the Developments in Southwest Asia based on the Geopolitical Rivalries between Iran and Turkey. *Foreign Policy Quarterly*, 29 (2), 117-139. (in Persian).
- Afghanistan Reform Newspaper (2016). The Policies of Neo-Ottomanism or Arab NATO, 2(256). Available at: <https://af.shafaqna.com/FA>. (in Persian).
- Ahmadian, G., Daneshnia, F., & Karamian, K. (2017). Identity and Middle Eastern Foreign Policy of Iran and Turkey in Syria. *World Politics*, 5(4), 173-141, (in Persian).
- Ajili, H., & Ghoraihi, S.M. (2014). Turkey's Foreign Policy towards the Syrian Crisis: Origins, Goals and Implications. *Middle East Studies Quarterly*, 20(2), 99. (in Persian).
- Al Jazeera English (2011). Al Jazeera Investigates, The Palestine Papers, Day 3, January 25.
- Amiri, M. & Abedi Safdarabad, M. (2014). The Role of the Syrian Crisis on the Kurdish Separatism of Turkey and Iraq. 7th International Virtual Conference on New Developments in Iran and the World, Qazvin, available at: <https://civilica.com/doc>. (in Persian).
- authoritarianism, Faratab, (23 July 2017-17:50). Available at: <http://www.faratab.com>. (in Persian).
- Bahrami, S. (2017). Deviation from Neo-Ottomanism and the Coup d'état in Turkey. *Strategic Studies Quarterly*, 19(73), 31-68. (in Persian).
- Bani Hashemi, M. Q.(2013). Turkey's New Foreign Policy and the Regional Position of the Islamic Republic. *Journal of Sacred Defense*, 1(4). (in Persian).
- Barkin, J. S. (2003). Realist Constructivism. *International Studies Review*, 5(3).
- Bayram, S. (2021). Turkey-Iran Relations after the JDP. Institut français d'études anatoliennes, Fransız Anadolu Araştırmaları Enstitüsü.
- Bleau, P. (2014). Realist Constructivism: Understanding Foreign Policy Intent. A Thesis Submitted to Johns Hopkins University in Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Arts in Global Security Studies. August.
- Cagaptay, S. (2020). *Erdogan's Empire; Turkey and the Politics of the Middle East*. I.B. Tauris, Bloomsbury Publishing Plc.
- Carlotta, G. (2019). Turkey's President Suffers Stinging Defeat in Istanbul Election Redo. *The New York Times*, ISSN 0362-4331. Retrieved 20 August 2019.
- Dalacoura, K. (2021). *Turkish Foreign Policy in the Middle East: Power*



- Projection and Post-Ideological Politics. *International Affairs*, 97(4), 1125–1142, <https://doi.org/10.1093/ia/iiab082>
- Daneshnia, f., ahmadeian, G., & Hashemi, M. (2013). Historical Identity, Neo-Ottomanism and Foreign Policy of Turkey. *Political Studies of Islamic World*, 2(7), 35-60. (in Persian).
- Davutoglu, A. (2016). *Strategic Depth (Turkey's Position on the International Stage)*. Translated by Mohammad Hossein Nouhinejad, second edition, Tehran, Publications: Amirkabir. (in Persian).
- Dehghani Firoozabadi, J. (2013). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Second Edition, Tehran, Samt Publishers. (in Persian).
- Deutsche Welle, Turkey fired 15,000 Training Staff (19/7/2016). Available at: <https://www.dw.com>. (in Persian).
- Ebrahimi, S., Ebrahimi, T. & Shahglee, S. (2016). Study Geopolitics Effects of Relations Turkey and Israel on Profits Iran in Caspian Area. *Central Eurasia Studies*, 7(2), 195-218. (in Persian).
- Eivazi, M.R., & Hosseini, A. (2015). Future of Turkish-Iranian Relations after Several Years of Development in the Arab World. *Political Studies of Islamic World*, 4(2), 95-119. (in Persian).
- Faltzgraf, R. & Deorti, J. (2006). *Conflicting Theories in International Relations*, Translated by Alireza Tayeb, Vahid Bozorgi. Fourth Edition, Tehran, Ghoomes Publication. (in Persian).
- Flahh, R. (2013). *The Nature of Turkish Foreign Policy in the Era of the AKP*, Center for Sustainable Knowledge Security Studies. Research Institute of Defense and Security Sciences. Imam Hossein University. (in Persian).
- GauthierVillars, David (2019). In Setback for Erdogan, Opposition Candidate Wins Istanbul Mayor Seat. *Wall Street Journal*. 23 June 2019.
- Gholizadeh, S. I. (2013). Political-Security Consequences of Increasing Turkey's Regional Power Over the Interests of the Islamic Republic in West Asia. *Scientific Journal of Security Horizons*, 6(19). (in Persian).
- Griffiths, M. (2013). *International Relations Theory for the Twenty-First Century: An Introduction*. Translated by Alireza Tayeb, Tehran, Ney Publications. (in Persian).
- Hafeznia, M.R. (2014). *Political Geography of Iran*. The Center for Studying and Compling University Books in Humanitics (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities. (in Persian).
- Haghpanah, J. (2015). Turkey's New Foreign Policy in the Middle East. *Political and International Researches Quarterly*, 6(22), 135-166, (in Persian).



۴۲۲

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Halliday, F. Barry Bouzan, & Heine Bush (2012). *The New Middle East: Theory and Practice*. Translated by Asgar Ghahramanpour, Tehran, Amirkabir Publications. (in Persian).

Hashemi, F. (136-167). Sustainable Development in the Persian Gulf: Obstacles and Arrangements. *Geopolitics Quarterly*, 7(21), 136-167. (in Persian).

Hatami, M.R. (2016). The Role of Developments in Syria in National Security of Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 5(4), 27-50. (in Persian).

Haugom, L. (2019). Turkish Foreign Policy Under Erdogan: A Change in International Orientation? *Comparative Strategy*. Norwegian Institute for Defence Studies, Oslo, Norway. 38 (3), 206-223, Published Online: 17 Jun 2019.

Heine Bush, R. (2012). *Foreign Policy of Middle Eastern Countries*. Translated by Rahman Ghahramanpour, Morteza Sabah, Tehran, Imam Sadegh University Press. (in Persian).

Hürriyet Haber (2016). (November 3), <http://www.hurriyet.com.tr>

Idiz, s. (2016). Turkish-us Ties face Fresh Turbulence Over Iraq, Syria. *Al-Monitor*. Retrieved April 6, 2016, from <http://www.al-monitor.com/pulse/tr/originals/2016/01>.

Khabiri, K., Mohammadi, M. (2017). Impact of Barjam on Iran's Position in West Asian Equations. *Research Letter of International Relations*, 10(37), 83-104. (in Persian).

Khalaj Monfared, A. (2017). Authoritarianism of Erdogan and Justice and Development Party (AK Party) in Turkey and its Consequences. *Contemporary Political Studies*. 7(22), 67-91. (in Persian).

Kutlay, M., & Öniş, Z. (2021). Turkish Foreign Policy in a Post-Western Order: Strategic Autonomy or New Forms of Dependence?. *International Affairs*, 97(4), 1085–1104.

Lowen, M. (2019). Can Erdogan bounce back from big Turkey defeat?. Retrieved 6 August 2019, Quora. <https://www.quora.com>.

Mashregh (2017). The Quadripartite Anti-Iranian Coalition at the Most Secure Summit of the Year. On <https://www.mashreghnews.ir/>. (in Persian).

Masoudnia, H. & Najafi, D. (2012). Turkey's New Foreign Policy and Security Threats to the Islamic Republic of Iran. *Scientific Journal of Security Horizons*, 4(13), (in Persian).

Masoudnia, H. & Froghi, A. (2013). Turkey and Syria Crisis, from Mediation to Support of the Syrian Opposition. *Political Studies of Islamic World*. 4(4), 83-110, (in Persian).



۴۲۳

تأثیر سیاست

خاورمیانه‌ای حزب عدالت

وتوسعه (۲۰۱۹-۲۰۰۲)

بر سیاست خارجی ایران

- Mofidi Ahmadi, H. (2015). Identity Actions of Turkish Foreign Policy after the So-Called Arab Spring Developments. Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East, available at: <https://www.cmess.ir/Page/View/2015-03-15/217>. (in Persian).
- Mohagheghnia, H. Latifinia, A. & Ghasemi, N. (2018). Consequences and Effects of Turkey's Neo-Ottoman Approach to Foreign Policy on the Middle East. Quarterly Journal of Political Science, Law and Jurisprudence, 3 (1). (in Persian).
- Mohammad Sharifi, M. & Darabimanesh, M. (2013). American Grand Strategy and Rotation of Turkey's Foreign Policy in Middle East. Political Research In Islamic World, 3(3), 127-150. (in Persian).
- Moshirzadeh, H. (2021). Evolution in Theories of International Relations. Fourteenth edition. Tehran: SAMT Publications. (in Persian).
- Mousavi, S., Barzegar, K., Ghavam, S., & Zakerian, M. (2016). The Impact of Arab World Upheavals on Iran-Turkey Regional Policies. Geopolitics Quarterly, 12(41), 166-188. (in Persian).
- Movassaghi, A., Alizadeh, S. (2014). Turkey's Developmental Foreign Policy during the AKP Period: The Caucasian Case. Central Eurasia Studies, 7(2), 375-393. (in Persian).
- Naghdinjad, H. (2009). Iran-Turkey Relations: Areas of Cooperation and Competition. Islamic Azad University Publications, Science Production Development Office, Strategic Research Center (Iran). (in Persian).
- Neset, S., Aydin, M. Balta, E., Kutlu Ataç, K., Dikici Bilgin, H., & Strand, A. (2021). Turkey as a Regional Security Actor in the Black Sea, The Mediterranean, and the Levant Region, Bergen: Chr. Michelsen Institute (CMI Report R 2021: 2). 68.
- Nikokar, A., Goodarzi, M. (2018). Change of Identity Tenets in Turkey's Foreign Policy and its Regional Effects in the Middle East. Political Science Quarterly, 14(44), 37-61. (in Persian).
- Oğuzlu, H. T. (2020). Turkish Foreign Policy in a Changing World Order. All Azimuth, 9 (1).
- Omidi, A. (2012). Dark Clouds Over the Future of Iran-Turkey Relations: The Art of Diplomacy is to Maintain a Relationship, Not to Sever it. Iranian diplomacy, available at: <http://irdiplomacy.ir>. (in Persian).
- Perlez, j. (2019). US Opposing China's Answer to World Bank. New York Times, Oct 2019, Available at: <https://www.nytimes.com/2014/10/10/world/asia/chinas>
- Pezeshki, M. (2018). Are the Relations Between Turkey and Azerbaijan Still the



۴۲۴

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Relations of One Nation in the Form of Two Governments?. Fars News Agency. International, 09:56 12-6-1393, available at: <https://www.farsnews.ir/news>. (in Persian).

Pichan, A. & Besharti, M.R. (2012). Turkey, the European Union and the political security of the Islamic Republic of Iran. Defense and Security Studies Summer, 65 (3), 57-86. (in Persian).

Rezaie, M. (2017). Nature of Competition and Conflict between Iran and Turkey in Syria and Iraq. Research Letter of Political Science, 12(1), 71-100. (in Persian).

Rubin, M. (2010). Turkey, from Ally to Enemy The Disastrous Transformation of the Only Successful Muslim Country in the Middle East. Commentary 'Middle East', available at: July/August 2010, On <https://www.commentary.org>.

Salamti, A. (2016). Turkish Islamist Foreign Policy. Second Edition, Tehran, Islamic Revolution Documentation Center Publications. (in Persian).

Sanaie, A., Kaviyanpor, M. (2016). The Rise OF ISIS and Its Impact on Foreign Policy of Islamic Republic of Iran. Research Letter of International Relations, 9(34), 145-166. (in Persian).

Savagheb, J., zakii, T. (2016). Analysis on Backgrounds of Zehab Treaty and its Consequences on the Safavid Government. Journal of Historical Researches, 8(3), 1-24. (in Persian).

Soltani nejad, A., Ebrahimi, N., Najafi, M. (2016). Interests and Considerations of Regional Powers in Syria Crisis. Political Studies of Islamic World, 5(1), 101-130. (in Persian).

Tajik, H. & Seadati, A. (2016). A Study of Turkish Foreign Policy in the Period of Islamists Towards Syria and Its Impact on the Security Environment of the Islamic Republic of Iran. Journal of Defense Policy, 24(95) 109 -143. (in Persian).

Thamoudi Pilehroud, A. & Noor Ali Vand, Y. (2012). The Foreign Policy of the Turkish Justice and Development Party on the Palestinian Issue. Palestinian Studies, 16(1), 78-93. (in Persian).

Tremblay, P. (2015). Turkish Shiites Fear Growing Hate Crimes. Al Monitor, July 11, available at: <http://www.almonitor.com/pulse/originals/2014/07>.

Yeşiltaş, M. (2020). The Rise of Turkey's 'Military Activism': The Causes, Context and Strategic Implications. SETA Publications, 69(1).

Zaman, A. (2021). Erdogan's Islamic Credentials No Longer a Winning Hand Among Turkey's Kurds, Al-Monitor. available at: <http://www.almonitor.com>